

نقش نگرش دیالکتیکی در پیدایش گونه‌های شخصیتی تازه در رمان فارسی (با رویکرد به رمان هم‌نوایی شبانه ارکستر چوبها)

اکبر شایان سرشت^{۱*}

راشین خواجه‌راد^۱

ابراهیم محمدی^۲

محمد بهنام فر^۳

چکیده

فرد انسان پدیده‌ای کلی است و جهان فراگیری از واقعیات اقتصادی، اجتماعی و جز آن او را احاطه کرده است. او از این جهان تأثیری همه‌جانبه می‌پذیرد و به سهم خود بر آن اثر می‌گذارد. این تأثیر متقابل همان رابطه دیالکتیکی است. یکی از جنبه‌های نگرش دیالکتیکی در عرصه هنر و اندیشه، نقش مسلط پایگاه اقتصادی و اجتماعی در تکوین آثار عظیم هنری و ادبی است. وابستگی آثار بزرگ هنری و ادبی به زیربنای اقتصادی و اجتماعی، واقعیتی انکارناپذیر است، هرچند این وابستگی بسیار پیچیده، غیرمستقیم و بامیانجی است و از استقلال نسبی اثر ادبی نمی‌کاهد. بر مبنای نگرش دیالکتیکی، هر مرحله از تاریخ اجتماعی با یک صورت بزرگ ادبی همراه است، رمان نیز صورت ادبی در عصر سرمایه‌داری است و با قهرمان مسأله‌دار یا پروبلماتیک توصیف می‌شود. این مقاله قصد پذیرش یا رد دیدگاه دیالکتیکی در ادبیات را ندارد و هدفش بررسی نقش رابطه دیالکتیکی در پیدایش تیپ‌های تازه در عرصه ادبیات است، حضور قهرمان پروبلماتیک در یک ارتباط طولی به خلق تیپ داغ‌خورده و تیپ دارای احساس کهنتری می‌انجامد، یا به عبارتی می‌توان گفت خاستگاه تیپ داغ‌خورده و تیپ اسیر احساس کهنتری در رمان معاصر، قهرمان پروبلماتیک است.

واژگان کلیدی: نگرش دیالکتیکی، قهرمان پروبلماتیک، داغ‌ننگ، احساس کهنتری.

rk634@gmail.com

* ashamiyan@birjand.ac.ir

mbehnamfar@birjand.ac.ir

emohammadi@birjand.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، ایران.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، ایران.

۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، ایران.